



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

ریشه‌های اجتماعی خشونت در مدرسه: واکاوی نقش عوامل جامعه‌شناختی

کامبیز سرافرازی^۱، لیلا پنجوی^۲، آیتا حیدری عبدی^۳، زهرا کریمی^۴

۱- کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ملی زنجان

۲- کارشناسی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرقدس

۳- کارشناسی حرفه و فن تربیت معلم علامه طباطبایی بوشهر

۴- کارشناسی علوم تربیتی گرایش مدیریت آموزش پیام نور فیروز آباد

چکیده

خشونت در مدارس یکی از مسائل جدی اجتماعی است که تاثیرات مخربی بر روان و رفتار دانش‌آموزان دارد. این پژوهش به واکاوی ریشه‌های اجتماعی خشونت در مدارس پرداخته و نقش عوامل جامعه‌شناختی در شکل‌گیری و گسترش این پدیده را بررسی می‌کند. خشونت در مدرسه نه تنها نتیجه مشکلات فردی است، بلکه تحت تاثیر ساختارها و فرآیندهای اجتماعی نیز قرار دارد. این عوامل شامل خانواده، محیط اجتماعی، فرهنگ جامعه، ساختار مدرسه، رسانه‌ها و سیاست‌های آموزشی می‌باشند. خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی که کودک با آن در تماس است، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز دارد. محیط‌های خانوادگی ناسالم، نبود حمایت عاطفی، سوء استفاده‌های جسمی و روانی، و تضادهای خانوادگی از جمله عواملی هستند که می‌توانند به بروز خشونت در مدرسه منجر شوند. محیط اجتماعی و محله نیز در این راستا تاثیرگذار است؛ زندگی در مناطق با نرخ بالای جرم و جنایت و حضور در گروه‌های دوستانی که رفتارهای خشونت‌آمیز را تشویق می‌کنند، می‌توانند به تقویت این رفتارها منجر شوند. ساختار مدرسه و سیاست‌های آموزشی نیز در کاهش یا افزایش خشونت نقش دارند. مدارس با سیستم‌های مدیریت ناکارآمد، فشارهای تحصیلی بالا و نبود برنامه‌های آموزشی مناسب برای مدیریت خشم و تعارض، می‌توانند به بروز و تشدید خشونت کمک کنند. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بر اهمیت توجه به عوامل جامعه‌شناختی در تحلیل و مدیریت خشونت در مدارس تاکید می‌کند و پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: خشونت در مدرسه، عوامل جامعه‌شناختی، خانواده، محیط اجتماعی، فرهنگ جامعه، سیاست‌های آموزشی.

مقدمه

خشونت در مدرسه یکی از مسائل مهم اجتماعی است که نه تنها بر زندگی تحصیلی و روانی دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند پیامدهای بلندمدتی برای جامعه به همراه داشته باشد. ریشه‌های این معضل را نمی‌توان به سادگی به عوامل فردی و روان‌شناختی محدود کرد، بلکه باید به بررسی عوامل جامعه‌شناختی نیز پرداخت که به شکل‌گیری و تقویت این رفتارها کمک می‌کنند. در این مقدمه، به واکاوی نقش عوامل جامعه‌شناختی در بروز خشونت در مدرسه پرداخته می‌شود. نخستین عامل



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

جامعه‌شناختی که می‌تواند به خشونت در مدارس دامن بزند، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی است. در جوامعی که نابرابری‌های شدید اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، دانش‌آموزان ممکن است احساس نارضایتی و بی‌عدالتی کنند. این احساسات می‌تواند منجر به بروز رفتارهای خشونت‌آمیز به عنوان راهی برای ابراز نارضایتی و تلاش برای کسب قدرت یا احترام در محیط مدرسه شود. دانش‌آموزانی که از طبقات محروم‌تر جامعه می‌آیند، ممکن است برای جلب توجه و تثبیت جایگاه خود در گروه‌های اجتماعی مدرسه به خشونت روی آورند. عامل دیگر، فرهنگ و ارزش‌های جامعه است. در برخی فرهنگ‌ها، خشونت به عنوان راهی قابل قبول برای حل و فصل اختلافات یا نشان دادن قدرت تلقی می‌شود. این نوع نگرش‌ها می‌تواند به شکل‌گیری و تقویت رفتارهای خشونت‌آمیز در میان دانش‌آموزان منجر شود. اگر دانش‌آموزان در محیط‌های خانوادگی یا اجتماعی خود با خشونت مواجه شوند یا شاهد آن باشند، احتمال بروز رفتارهای مشابه در محیط مدرسه افزایش می‌یابد. (یونیسف، ۲۰۰۷). مدارس به طور منحصر به فردی برای ارائه آموزش با کیفیت که حق هر کودک است، حائز اهمیتند. آنها به دانش‌آموزان فرصت می‌دهند تا استعدادهای خلاق و تفکر انتقادی خود را پرورش دهند، مهارت‌های زندگی را به دست آورند، عزت نفس و روابط اجتماعی را توسعه دهند و به عنوان فردی با عزت رشد کنند. آنها همچنین به عنوان منابع مهمی برای توسعه و اشاعه ارزش‌های عدم خشونت، همکاری، مدارا و احترام، نه تنها در بین دانش‌آموزان و کارکنان، بلکه فراتر از آن، در جامعه گسترده تر عمل می‌کنند (محمدی چمناری و عربی جونقانی، ۱۴۰۰).

در هر روز، بیش از یک میلیارد کودک در سراسر جهان به مدرسه می‌روند. بسیاری از این دانش‌آموزان از حق خود برای آموزش در محیطی امن و محرک برخوردارند. اما برای بسیاری دیگر، تحصیل چنین فرصتی را تضمین نمی‌کند. این دختران و پسران در معرض قلدری، تنبیه بدنی و سایر اشکال خشونت با یا بدون تأیید مقامات آموزشی قرار دارند. بسیاری نیز در معرض دعوا در حیاط مدرسه، خشونت گروهی توسط همسالان خود قرار دارند. مظاهر جدید خشونت نیز بر زندگی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد، به ویژه پدیده «قلدری مجازی» از طریق تلفن همراه، رایانه، وب سایت‌ها و سایت‌های شبکه‌های اجتماعی. برای این دانش‌آموزان، پتانسیل و نوید مدرسه با درد، رنج و ترس تضعیف شده است. در برخی موارد، میزان خشونت یا تهدید به خشونت می‌تواند به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان را از تحصیل باز دارد و در نتیجه فرصت آموزشی با همه فوایدی که برای فرد و جامعه دارد، به طور جدی با مشکل مواجه می‌شود یا از دست می‌رود (البرز و دیگران، ۱۴۰۰).

نقش رسانه‌ها و محتوای خشونت‌آمیز نیز نباید نادیده گرفته شود. نمایش مکرر خشونت در رسانه‌ها، بازی‌های ویدئویی و اینترنت می‌تواند حساسیت دانش‌آموزان نسبت به خشونت را کاهش دهد و آن را به عنوان رفتاری نرمال و پذیرفته‌شده در نظر بگیرند. تأثیرات منفی رسانه‌ها می‌تواند موجب تقویت گرایش‌های خشونت‌آمیز و کاهش توانایی دانش‌آموزان در مدیریت خشم و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات شود.

همچنین، سیستم آموزشی و نحوه مدیریت مدارس نیز نقش مهمی در کاهش یا افزایش خشونت دارد. عدم توجه کافی به مسائل روانی و اجتماعی دانش‌آموزان، نبود برنامه‌های آموزشی مناسب برای مقابله با خشونت و نبود فضای حمایتی در مدارس می‌تواند به تشدید این مسئله منجر شود. در نهایت، نمی‌توان نقش گروه‌های همسالان و فشار اجتماعی را نادیده گرفت. دانش‌آموزان تحت تأثیر گروه‌های دوستان خود قرار می‌گیرند و برای پذیرفته شدن در این گروه‌ها ممکن است به رفتارهای خشونت‌آمیز دست بزنند. با توجه به این عوامل، روشن است که خشونت در مدرسه پدیده‌ای چند بعدی است که نیازمند رویکردهای چند جانبه و جامع برای پیشگیری و کاهش آن می‌باشد. بررسی دقیق و علمی این عوامل می‌تواند به تدوین راهکارهای مؤثر برای ایجاد محیطی امن و سالم در مدارس کمک کند (امیرانی پور، ۱۴۰۲).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ماهیت و میزان خشونت در مدارس

پدیده خشونت مدرسه‌ای به عنوان یک مسئله جامعه‌شناختی و آموزشی از اهمیت بسیاری برخوردار است و تأثیرات منفی آن بر جامعه و دانش‌آموزان باید با جدیت مورد بررسی قرار گیرد. این اهمیت و ضرورت به صورت زیر توضیح داده می‌شود:

۱. تأثیر بر دانش‌آموزان: خشونت مدرسه‌ای می‌تواند به شدت تأثیر منفی بر روحیه و روانی دانش‌آموزان داشته باشد. این پدیده می‌تواند منجر به کاهش عملکرد تحصیلی، افزایش اضطراب و افسردگی، و ایجاد احساس ناامنی در دانش‌آموزان شود.

۲. تأثیر بر جوامع: خشونت مدرسه‌ای می‌تواند تأثیرات عمیقی بر جوامع داشته باشد. این پدیده می‌تواند به ایجاد تفاوت‌ها و تنش‌ها در جوامع منجر شود و از ایجاد جوامع سالم و همدل جلوگیری کند.

۳. تأثیر بر محیط آموزشی: وقوع خشونت مدرسه‌ای می‌تواند به اختلال در محیط آموزشی منجر شود. این مسئله ممکن است باعث افزایش نارضایتی معلمان، کاهش عملکرد مدرسه، و افت شهرت مدرسه شود.

۴. اثرات بلندمدت: خشونت مدرسه‌ای می‌تواند اثرات بلندمدتی بر دانش‌آموزان داشته باشد. افرادی که در دوران تحصیلی با خشونت مدرسه‌ای مواجه می‌شوند، ممکن است الگوهای رفتاری ناپسندی را یاد بگیرند که در زندگی بزرگتر نیز باعث مشکلاتی شود.

۵. نیاز به پیشگیری: به عنوان جامعه‌ای پویا و پیشرفته، نیاز داریم تا بر روی پیشگیری از خشونت مدرسه‌ای تمرکز داشته باشیم (محمدی چمناری و عربی جونقانی، ۱۴۰۰). شناخت عوامل مساله و تأثیر مسائل جامعه‌شناختی در آن می‌تواند به ما کمک کند تا راهکارهای مؤثری را ارائه دهیم.

بنابراین، تأثیرات خشونت مدرسه‌ای بر دانش‌آموزان، محیط آموزشی، و جوامع را نمی‌توان نادیده گرفت و اهمیت مساله و ضرورت بررسی عمیق آن را افزایش می‌دهد. توجه به مسائل جامعه‌شناختی می‌تواند به ما کمک کند تا بهبودی در این زمینه دست یابیم و محیط آموزشی را به مکانی ایمن و سازنده تبدیل کنیم. مهم‌ترین بخش در حل کردن هر مشکلی شناخت عوامل ایجاد آن است. در ادامه می‌خواهیم به عواملی از خشونت پردازیم که دانش‌آموزان را در داخل و خارج مدرسه مورد تهدید قرار می‌دهد:

قلدری

مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش‌آموزان، قلدری را یک الگوی رفتاری به جای یک رویداد مجزا می‌داند. رایج‌ترین شکل قلدری کلامی است که اگر کنترل نشود، می‌تواند منجر به خشونت فیزیکی نیز می‌شود. این مطالعه تأکید می‌کند که تقریباً تمام قلدری‌ها ماهیت قدرت طلبانه دارند و با هدف اعمال فشار بر دانش‌آموزان برای انطباق با ارزش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی آن‌ها به ویژه آن‌هایی که زیر بار حرف زور نمی‌روند.

قلدری می‌تواند عواقب جدی برای قربانی و مجرم داشته باشد. به عنوان مثال هم برای فرد قلدر و هم برای دانش‌آموزی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد، چرخه خشونت و ترس منجر به مشکلات بین فردی بیشتر و عملکرد ضعیف در مدرسه می‌شود. دانش‌آموزانی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند بیشتر از همسالان خود افسرده، تنها یا مضطرب هستند و اعتماد به نفس پایینی دارند. قلدرها اغلب به دلیل ناامیدی، تحقیر، عصبانیت و در پاسخ به تمسخر اجتماعی به شدت خشن عمل می‌کنند (۱۴۰۰، محمدی چمناری، الهام؛ احمد عربی جونقانی).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مطالعات اخیر نشان می‌دهد که حدود نیمی از دانش‌آموزانی که درگیر قلدری هستند، هم قربانی و هم مرتکب خشونت هستند و دانش‌آموزانی که در این ابراز خشونت دخالت دارند از بقیه گرفته‌تر و آزاده‌خاطرترند. در میان مرتکبین، پسران بیشتر درگیر قلدری فیزیکی می‌شوند، در حالی که دختران اغلب به شکل‌های کلامی آزار همسالان خود می‌پردازند (Pinheiro, ۲۰۰۶). در رابطه با بسیاری از اشکال خشونت علیه دانش‌آموزان، داده‌های مربوط به قلدری کمیاب است. تحقیقاتی که بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ در تعدادی از کشورهای در حال توسعه برای نظرسنجی جهانی بهداشت مبتنی بر مدرسه (GSHS) انجام شد، تنوع گسترده‌ای را در تجارب ملی نشان داد: در چین (پکن)، ۱۷ درصد از دختران و ۲۳ درصد از پسران (سن ۱۳ تا ۱۵) گزارش دادند که در ۳۰ روز گذشته مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند و در زامبیا این ارقام به ۶۷ درصد برای دختران و ۶۳ درصد برای پسران افزایش یافت که آنها در ۳۰ روز گذشته مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. اطلاعات کشورهای اروپایی، اگرچه کاملاً قابل مقایسه نیستند، اما تنوع گسترده‌ای را از کشوری به کشور دیگر نشان می‌دهند؛ در پایین‌ترین سطح مقیاس، ۱۵ درصد از دختران و پسران در سوئد در سنین ۱۱، ۱۳ و ۱۵ سال گزارش کردند که در چند ماه گذشته مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. در حالی که این رقم تا ۴۴ درصد دختران و ۵۶ درصد پسران در پرتغال، و ۶۴ درصد از دختران و ۶۵ درصد از پسران در لیتوانی میرسد. در طول سال تحصیلی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ در ایالات متحده آمریکا، ۳۲ درصد از دانش‌آموزان بین ۱۲ تا ۱۸ سال گزارش کردند که مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. از این دانش‌آموزان، ۲۱ درصد گفتند که یک یا دو بار در ماه مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. ۱۰ درصد گزارش کردند که یک یا دو بار در هفته مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. و ۷ درصد نشان دادند که روزانه مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. نزدیک به ۹ درصد گزارش کرده‌اند که در نتیجه قلدری از نظر جسمی آسیب دیده‌اند.

مطالعه اخیری که در فرانسه توسط رصدخانه بین‌المللی خشونت در مدارس به نمایندگی از یونیسف فرانسه و بر اساس یک نظرسنجی ملی از ۱۲۳۲۶ کودک در دوره سوم دبستان (بین ۹ تا ۱۱ سال) انجام شد، نشان داد که ۹۰ درصد دانش‌آموزان نشان می‌دهند که در مدرسه احساس خوب یا خیلی خوبی دارند و همین نسبت نیز تأیید می‌کند که آنها روابط خوب یا بسیار خوبی با معلمان خود دارند. با این حال، اقلیت قابل توجهی از دانش‌آموزان وجود داشتند که مدرسه را محل خشونت می‌دانستند. اکثریت این دانش‌آموزان به جای کارکنان، از دست همسالان خود رنج می‌بردند. حدود ۳۲ درصد از دانش‌آموزان اظهار داشتند که گاهی قربانی آزار کلامی هستند و ۳۵.۱ درصد اظهار داشتند که گاهی قربانی خشونت فیزیکی در مدرسه هستند، در حالی که ۶ درصد اظهار داشتند که اغلب به دست همسالان خود قربانی خشونت میشوند. علاوه بر این، این مطالعه نشان داد که کودکی که قربانی هر نوع قلدری می‌شود، اغلب قربانی خشونت مرتبط با دزدی یا خشونت جنسی است. این مطالعه همچنین توجه را به تمایل بیشتر به خطرپذیری در بین دانش‌آموزان قربانی قلدری شدید جلب می‌کند.

قلدری مجازی که به معنی قلدری از طریق ایمیل، خطوط چت آنلاین، صفحات وب شخصی، پیام‌های متنی و انتقال تصاویر است؛ به طور فزاینده‌ای به یک منبع نگرانی تبدیل می‌شود. برای دانش‌آموزان در سراسر جهان، فناوری‌های نوآورانه فرصت‌هایی را برای ایجاد فضاهای جدید تعامل و توسعه اشکال جدید اجتماعی شدن ارائه می‌دهند. در عین حال این فناوری‌ها دانش‌آموزان را به صورت بالقوه در برابر آزار و اذیت و قلدری در پوشش‌ها و روش‌هایی آسیب‌پذیر می‌کنند که تشخیص و پاسخگویی به آن برای والدین بزرگسال، مراقبین، معلمان و دیگران، اغلب دشوار است، به‌ویژه که این پدیده‌ای است که تمایل دارد فضاهایی که تحت نظارت بزرگسالان نیستند رخ دهد. قلدری مجازی ممکن است ریشه در تعامل اجتماعی چهره به چهره در محیط یادگیری داشته باشد. با این حال، دانش‌آموزان با پایان روز مدرسه از تأثیر آن در امان نیستند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تحقیقات شروع به ارائه درک بیشتری از میزان و ماهیت قلدری سایبری می‌کند. مطالعه ای در ایالات متحده نشان می‌دهد که ۴ درصد از دانش‌آموزان بین ۱۲ تا ۱۸ سال گزارش داده‌اند که در طول سال تحصیلی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ قربانی آزار و اذیت مجازی شده‌اند. مطالعه دیگری نشان داد که تقریباً ۱۳ درصد از دانش‌آموزان بین پایه‌های ششم تا دهم (بین ۱۱ تا ۱۶ سال) مورد آزار و اذیت مجازی قرار گرفته‌اند. طرح اتحادیه دانش‌آموزان آنلاین اروپا، نظرسنجی را از ۲۰۰۰ کاربر اینترنت بین ۹ تا ۱۶ سال، به همراه یک والدین از هر مصاحبه‌شونده، در ۲۵ کشور اروپایی انجام داد. این نظرسنجی که در سال ۲۰۱۰ انجام شد، خطرات کلیدی آنلاین از جمله قلدری را بررسی کرد. از گروه نظرسنجی، مشخص شد که ۹۳ درصد حداقل به صورت هفتگی آنلاین می‌شوند (Livingstone et al., ۲۰۱۱). شش درصد از نمونه نشان دادند که برای آنها پیام‌های ناخوشایند یا آزاردهنده به صورت آنلاین ارسال شده است و سه درصد اعتراف کردند که چنین پیام‌هایی را برای دیگران ارسال کرده‌اند. اکثر دانش‌آموزانی که پیام‌های قلدری آنلاین دریافت کرده‌اند، با پشتیبانی اجتماعی تماس گرفتند. با این حال، یک چهارم نشان داد که آنها به کسی اطلاع نداده‌اند. از هر ده نفر، شش نفر از استراتژی‌های آنلاین مانند حذف پیام‌های آزاردهنده یا مسدود کردن فرد خاطی استفاده کرده‌اند.

خشونت جسمی و روانی

کمیته حقوق کودک، تنبیه فیزیکی یا بدنی را به عنوان هر تنبیهی که در آن از نیروی فیزیکی استفاده می‌شود و قصد دارد درجانی از درد یا ناراحتی را هر چند سبک ایجاد کند، تعریف می‌کند (۱۳۹۹، میرزائی، سارا). از سوی دیگر، تنبیه روانی شامل انواع تنبیه‌های ظالمانه و تحقیرآمیز است که ماهیت فیزیکی ندارند، از جمله تنبیهی که باعث تحقیر، کوچک شمردن، تهدید، ترساندن یا تمسخر کودک می‌شود (Ellery et al, ۲۰۱۰).

به طور کلی، پسران تنبیه بدنی مکرر و شدیدتری را نسبت به دختران تجربه می‌کنند. اعمال تنبیه‌ها به طرق مختلف پیام‌هایی در مورد آنچه از دانش‌آموزان و بزرگسالان انتظار می‌رود به ما می‌رساند. همچنین شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تنبیه بدنی در مدارس گاهی با شدت یا فراوانی برای دانش‌آموزان گروه‌هایی که در کل جامعه در معرض انگ و تبعیض هستند اجرا می‌شود. به عنوان مثال، مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش‌آموزان اشاره می‌کند که در هند، گزارش عمومی سال ۱۹۹۸ در مورد آموزش پایه (PROBE) نشان می‌دهد که معلمان طبقه بالاتر تمایل دارند با برچسب زدن به آنها به عنوان خنگ و ناتوان در تحصیل کردن، دانش‌آموزانی که از طبقات پایین‌تر هستند را تحقیر کنند (Pinheiro, ۲۰۰۶).

مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش‌آموزان به یک گرایش آشکار به دور شدن از تنبیه بدنی در مدارس در تمام مناطق، به ویژه در اروپا اشاره کرد. این گسترش در روند پیگیری مطالعات سازمان ملل متحد، با تعداد فزاینده ای از کشورها که استفاده از خشونت، از جمله تنبیه بدنی در مدرسه را غیرقانونی می‌کنند، ادامه یافته است. اگرچه این یک روند خوشایند است، اما این خطر را ایجاد می‌کند که معلمان که در مورد استراتژی‌های نظم و انضباط مثبت آموزش نمی‌بینند، ممکن است به تنبیه روانی در کلاس درس متوسل شوند. این حوزه ای است که قبل از نتیجه گیری باید تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام شود.

با وجود تحولات قانونی، در بسیاری از کشورها هنوز قانونی رسمی وجود ندارد. در برخی دیگر، اثربخشی ممنوعیت قانونی به دلیل اجرای ضعیف یا سطوح پایین آگاهی از این قانون در میان کارکنان مدرسه و دانش‌آموزان مختل می‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از نظر تأثیر، تنبیه بدنی می تواند به طور جدی توانایی یادگیری کودک را به خطر بیندازد. کمیسیون ملی حمایت از حقوق کودک هند (NCPCR) گزارش می دهد که مطالعه تجربیات عاطفی در کلاس های درس، بر اساس نظرسنجی از ۱۱۰۰ کودک، نشان می دهد که افرادی که مکرراً مورد سرزنش قرار می گیرند، توانایی های یادگیری خود را به خطر می اندازند. محیط های ضعیف کلاس درس، استفاده از زبان بد و ضرب و شتم، همگی بر توانایی یادگیری کودک تأثیر منفی گذاشتند. این نظرسنجی همچنین نشان داد که بسیاری از دانش آموزان به دلیل آزار جسمی و روانی که مورد آزار و اذیت قرار می گیرند از رفتن به مدرسه می ترسند.

تنبیه بدنی همچنین می تواند عواقب جدی برای سلامت روحی و جسمی دانش آموز داشته باشد. با رشد آهسته مهارت های اجتماعی، افسردگی، اضطراب، رفتار پر خاشگرانه و عدم همدلی یا مراقبت از دیگران مرتبط است. همچنین به تداوم خشونت در مدارس کمک می کند. کتاب راهنمای یونسکو در مورد توقف خشونت در مدارس نشان می دهد که تنبیه بدنی، بی توجهی به آموزش دانش آموزان که چگونه انتقادی فکر کنند، قضاوت های اخلاقی درستی داشته باشند، کنترل درونی را در خود پرورش دهند و به شرایط و ناامیدی های زندگی به شیوه ای غیر خشونت آمیز پاسخ دهند. چنین تنبیهی به دانش آموزان نشان می دهد که استفاده از زور، چه کلامی، چه فیزیکی و چه احساسی، قابل قبول است، به ویژه زمانی که برای افراد جوان تر و ضعیف تر باشد. این درس منجر به افزایش حوادث زورگویی و فرهنگ کلی خشونت در مدارس می شود

درگیری، حمله فیزیکی و خشونت گروهی

دعوا، حمله فیزیکی و خشونت گروهی می تواند در مدارس ظاهر شود، یا ممکن است نشان دهنده نفوذ خشونت خارجی به محیط مدرسه باشد. در عمل، مقوله خشونت بیرونی یک مقوله وسیع است و تمایز بین خشونت مدرسه و خشونت بیرونی اغلب به سختی قابل تشخیص است.

دعوا به طور کلی شامل دو یا چند نفر می شود که در آن تشخیص تمایز بین مجرمان و قربانیان آسان نیست. تجزیه و تحلیل داده های نظرسنجی های اخیر که به عنوان بخشی از GSHS انجام شده است نشان می دهد که جنگ در کشورهای در حال توسعه بیشتر است و احتمال شرکت دختران کشورهای در حال توسعه بیشتر از دختران در کشورهای توسعه یافته و در حال گذار در آن است. مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش آموزان نشان می دهد که حمله فیزیکی، «می تواند به عنوان یک پدیده جداگانه رخ دهد، مانند مورد حمله یک فرد به فرد دیگر که ناشی از احساسات ملتهب خشم یا حسادت است. همچنین ممکن است ناشی از احساسات عمومی خشم، ناامیدی یا تحقیر باشد که توسط هر کاری که قربانی انجام داده است تحریک نشده باشد، مانند مورد تجاوز جنسی خشونت آمیز و تیراندازی های تصادفی.» مخصوصاً پسرها تمایل دارند برای اجرای کلیشه های مردانه با یکدیگر درگیر شوند و به دعوا بپردازند.

تأثیر درگیری و تهاجمات فیزیکی و ترس و ناامنی ناشی از آن، هم در میان قربانیان و هم در بین کسانی که شاهد چنین حملاتی هستند، با در دسترس بودن و استفاده از سلاح هایی که از خارج به محیط مدرسه وارد می شوند، تشدید می شود. سلاح ها همچنین اغلب با خشونت بانندی همراه است که اغلب از جوامع اطراف به مدارس نفوذ می کند. مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش آموزان نشان می دهد که باندها با ساختارها و تشریفات رسمی تر از سایر گروه های همسال متمایز می شوند. به نظر می رسد خشونت گروهی در مدارس در مکان هایی که خشونت در کل جامعه رایج است و در دسترس بودن



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اسلحه، باندها و مواد مخدر بخشی از فرهنگ محلی است، بیشترین شیوع را دارد. این موضوع در طول رایزنی های منطقه ای کارائیب و آمریکای لاتین برای مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش آموزان مورد توجه ویژه قرار گرفت.

کارهای اجباری

پسری در لیبریا گفت: اگر کسی پول داشته باشد به معلم رشوه می دهد. اگر نداشته باشد باید در مزارع معلم کار کند یا مردود شود (Antonowicz, ۲۰۱۰).

در کشورهایی که دستمزد معلمان پایین است، جوامع و مدارس یا کارکنان مدرسه گاهی توافقاتی در مورد استفاده از نیروی کار دانش آموزان به عنوان نوعی پاداش برای معلمان دارند. شواهد از پنج کشور غرب آفریقا نشان می دهد که ممکن است از دختران خواسته شود که آب بیاورند یا کارهای خانه مانند تمیز کردن لباس ها را انجام دهند، در حالی که ممکن است از پسران خواسته شود در مزارع معلمان در فصل برداشت محصول کار کنند یا در حمل و نقل مصالح ساختمانی کمک کنند. این کارها زمانی را که دانش آموزان می توانند به یادگیری اختصاص دهند، چه در ساعات مدرسه و چه در اوقات فراغت، کاهش می دهد. آنها می توانند فراتر از توان و ظرفیت دانش آموزان باشند و مهمتر از همه آنها می توانند دانش آموزان را در موقعیت های آسیب پذیر و در معرض خطر خشونت جنسی و سایر موارد در مسیر مدرسه یا در خانه های کارکنان مدرسه قرار دهند.

خشونت علیه آسیب پذیرترین دانش آموزان

دختران به ویژه در معرض خطر خشونت و غیبت از کلاس های درس در سراسر جهان هستند. دلایل متعددی برای ثبت نام پایین و تعداد بالای ترک تحصیل دختران وجود دارد، از جمله: عوامل اقتصادی؛ عوامل فرهنگی مانند ترجیح فرهنگی برای پسران؛ یا انتظاری که دختران باید در خانه بمانند یا کار کنند تا از خانواده حمایت کنند. با این حال، خشونت در مدرسه یا اطراف آن، یا تهدید به خشونت، مانع بزرگی برای تحصیل دختران است.

برخی از جدی ترین موانع مربوط به خشونت برای تحصیل دختران در دیگر کشورها که ناشی از جدا نبودن محیط آموزشی دختران و پسران است عبارتند از: سوء استفاده جنسی یا تهدید به چنین سوء استفاده ای از سوی معلمان، سایر کارکنان مدرسه یا دانش آموزان پسر. ترک تحصیل به دلیل ازدواج یا باردار شدن (و در برخی کشورها به دلیل نگرش ها یا حتی مقرراتی که مانع از بازگشت دختران به مدرسه پس از زایمان می شود). مسافتی که دختران باید تا مدرسه طی کنند و خطرات ناشی از این سفر روزانه؛ محیط های آموزشی خصمانه، از جمله مواد آموزشی مغرضانه جنسیتی، علاقه مندی به پسران و تخصیص وظایف سطح پایین به دختران؛ محیط فیزیکی ناامن مدارس، از جمله عدم ارائه سرویس های بهداشتی جداگانه و کافی؛ و تصمیم والدین برای دور نگه داشتن دخترانشان از مدرسه به دلیل خطرات مرتبط با محیط مدرسه (Mitchel & Mothobi-Tapela, ۲۰۰۴).

آسیب پذیری دختران می تواند - به ویژه در کشورهای در حال توسعه - با الگوهای نابرابری اقتصادی و در برخی موارد، ناآرامی های سیاسی قابل توجه یا درگیری های خشونت آمیز تشدید شود. فقر یکی از مهم ترین این عوامل است. در مطالعه یونیسکف که درباره خشونت بر اساس جنسیت در مدارس سوازیلند و زیمبابوه صورت گرفت اشاره شد که مردم نمی خواهند علیه همسایه ها یا خویشاوندان صحبت کنند، والدین نمی خواهند در مدرسه در صورتی که دخترشان مورد آزار و اذیت قرار



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می‌گیرد شلوغ کاری راه بیاندازند و معلمان خودشان نمی‌خواهند صحبت کنند، حتی اگر می‌دانند که آزار و اذیت در مدرسه یا جامعه در حال رخ دادن است.

در مورد معلمانی که دست به آزار جنسی می‌زنند، جایگاه اجتماعی آنها اغلب درجه ای از مصونیت را برای آنها در برابر عواقب اعمالشان ایجاد می‌کند یا ممکن است از روابط نابرابر قدرت برای محافظت از خود سوء استفاده کنند.

علاوه بر دختران، گروه‌های دیگری از دانش‌آموزان نیز هستند که به طور ویژه در برابر تبعیض و سایر موارد نقض حقوق بشر در محیط مدرسه و اطراف آن آسیب پذیر است. اینها شامل دانش‌آموزانی هستند که فطری دارای معلولیت هستند، دانش‌آموزان اقلیت‌های قومی، زبانی، فرهنگی یا مذهبی، دانش‌آموزان پناهجو و پناهنده، دانش‌آموزان مبتلا به ایدز، دانش‌آموزان از طبقات پایین جامعه.

اغلب تبعیض و طرد شدن این دانش‌آموزان چند لایه است و بسیاری از جنبه‌های زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مورد آموزش، دانش‌آموزان متعلق به گروه‌های آسیب‌پذیر نه تنها برای دسترسی به مدرسه با موانعی روبرو هستند، بلکه برای ادامه تحصیل نیز مبارزه می‌کنند. نتیجه غم‌انگیز این است که دانش‌آموزانی که اغلب بیشترین نیاز را به حمایت، پذیرش و رفتار محترمانه دارند، دانش‌آموزانی هستند که به آسانی و اغلب مورد خشونت در محیط مدرسه توسط همسالان خود و توسط کارکنان مدرسه قرار می‌گیرند. آنها همچنین ممکن است برای جدی گرفتن وضعیت خود تلاش کنند اگر بخواهند خشونت را به مقامات مدرسه یا دیگران گزارش دهند و در برخی موارد ممکن است به سادگی تصمیم بگیرند که خشونت را گزارش نکنند، حتی خشونت جدی، از جمله سوء استفاده جنسی، از ترس جلب توجه به خانواده یا جامعه در حال حاضر انگ و به حاشیه رانده شده است.

در مورد دانش‌آموزانی که به اقلیت‌های قومی، زبانی یا فرهنگی تعلق دارند، معلمان فرهنگ اکثریت ممکن است نگرش منفی نسبت به آنها از خود نشان دهند، انتظارات بسیار کمی از آنها داشته باشند و استعدادهای فردی آنها را شناسایی و تشویق نکنند. این بعد از آن چیزی است که بوش و سالتارلی آن را چهره منفی آموزش نامیده‌اند (Bush & Salterati, ۲۰۰۰). که خود را در «توزیع نابرابر آموزش برای ایجاد یا حفظ امتیازات، استفاده از آموزش به عنوان سلاح سرکوب فرهنگی، و تولید یا تولید» نشان می‌دهد. نوشتن کتب درسی برای ترویج عدم تحمل این رفتارها. این پدیده منحصر به حوزه تدریس نیست. همچنین می‌تواند خود را در برنامه‌های درسی پنهان نشان دهد، یعنی ارزش‌هایی که در زمینه‌های غیر آکادمیک مانند هنگام بازی و تفریح، در صف ناهار و در راه رفتن یا برگشتن به مدرسه منتقل می‌شوند. به عنوان مثال، مطالعه فوق‌الذکر که از طرف یونیسیف در فرانسه انجام شد، نشان داد که از یک جمعیت نمونه ۱۲۳۲۶ دانش‌آموز بین سنین ۹ تا ۱۱ سال در ۱۵۷ مدرسه، ۴.۶ درصد معتقد بودند که آنها در معرض نژادپرستی قرار گرفته‌اند. از یک بزرگسال در مدرسه خود، اغلب از کارگران کمکی در غذاخوری مدرسه.

دانش‌آموزان پناهنده ممکن است تحت رفتارهای مشابهی قرار گیرند؛ برای مثال، گزارش‌هایی وجود دارد که دانش‌آموزان آواره‌شده از آنگولفون سیرالئون به منطقه فرانسوی زبان گینه کوناکری در مدارس جدید خود به دلیل عدم درک زبان فرانسه تنبیه بدنی شدند. یک دختر پناهنده و دانش‌آموز کلاس چهارم در ایبجان، ساحل عاج توضیح می‌دهد که دانش‌آموزان اینجا با ما به عنوان مهاجمان رفتار می‌کنند و آنها اغلب در راهرو سر ما فریاد می‌زنند، «مهاجمین، به خانه برگردید!» آنهایی از ما که نمی‌توانیم این توهین‌ها را تحمل کنیم، به مدرسه نمی‌آییم (Antonowicz, ۲۰۱۰).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در مورد دانش‌آموزان دارای معلولیت، داده‌های جهانی دقیقی در مورد محرومیت از تحصیل وجود ندارد. با این حال، یک اجماع کلی وجود دارد که حداقل یک سوم از ۷۲ میلیون کودک در جهان که در مدرسه نیستند، به هر شکلی معلولیت دارند، در حالی که برآوردهای بانک جهانی و دیگران نشان می‌دهد که حداکثر ۵ درصد از دانش‌آموزان دارای معلولیت به هدف تکمیل آموزش برای همه در مدرسه ابتدایی می‌رسند. مانند سایر دانش‌آموزان آسیب‌پذیر، بسیاری از دانش‌آموزان دارای معلولیت ممکن است هرگز برای مدرسه ثبت نام نکنند، در حالی که برخی دیگر ممکن است ثبت نام کنند، اما موفق به حضور در مدرسه نشوند یا متعاقباً ترک تحصیل کنند. انگ اجتماعی، موانع دسترسی فیزیکی، کمبود اطلاعات و مواد در اشکال مناسب، و فقدان آموزش برای کارکنان آموزشی، همگی به این پدیده کمک می‌کنند، با این حال خشونت علیه دانش‌آموزان دارای معلولیت نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. همانطور که توسط نماینده ویژه در امور خشونت علیه دانش‌آموزان اشاره شده است، زندگی دانش‌آموزان دارای معلولیت مملو از مشکلات است. نگاه بد جامعه، تبعیض، اعمال فرهنگی، ادراک نادرست و نامرئی بودن؛ ظرفیت و پتانسیل مثبت آنها اغلب نادیده گرفته می‌شود و وجود آنها با خشونت، غفلت، آسیب و استثمار مشخص می‌شود. این خطرات در مدارس نیز وجود دارد.

مطالعه سازمان ملل در مورد خشونت علیه دانش‌آموزان نشان می‌دهد که «دانش‌آموزان دارای معلولیت به دلایل مختلفی در معرض خطر خشونت قرار دارند، از تعصبات فرهنگی عمیقاً ریشه دار گرفته تا خواسته‌های عاطفی، فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی بالاتری که معلولیت کودک می‌تواند بر خانواده او تحمیل کند. نظرسنجی جهانی که درباره آیدز و معلولیت برگزار شد خاطرنشان می‌کند که افراد دارای معلولیت به طور قابل توجهی در معرض خطر خشونت فیزیکی، سوء استفاده جنسی و تجاوز جنسی قرار دارند. با این حال، در عین حال، آنها دسترسی اندکی به حمایت و جبران خسارت از طریق پلیس و سیستم‌های قانونی دارند و از دسترسی کمتری به مراقبت‌های پزشکی و مشاوره نسبت به همسالان غیرمعلول خود برخوردار هستند. اختلالات اغلب باعث می‌شود که دانش‌آموزان دارای معلولیت قربانیان آسانی به نظر برسند، نه تنها به این دلیل که ممکن است در دفاع از خود یا در گزارش سوء استفاده مشکل داشته باشند، بلکه به این دلیل که داستان‌های آنها اغلب نادیده گرفته می‌شود. همچنین ممکن است خشونت علیه یک کودک دارای معلولیت به نوعی کمتر جدی تلقی شود و شهادت کودک ممکن است نسبت به یک کودک بدون معلولیت کمتر قابل اعتماد تلقی شود. دانش‌آموزان دارای معلولیت نیز ممکن است برای دسترسی به گروه‌های اجتماعی، خشونت و آزار همسالان خود را بیشتر تحمل کنند.

تربیت اخلاقی و اجتماعی در پیشگیری از خشونت

یکی از رویکردهای کلیدی در پیشگیری از خشونت مدرسه‌ای، تربیت اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان است. این رویکرد تأکید بر اهمیت تربیت انسان‌های اخلاقی و متعهد به ارتقاء احترام متقابل دارد. در اینجا به برخی از عناصر مهم تربیت اخلاقی و اجتماعی در پیشگیری از خشونت مدرسه‌ای پرداخته می‌شود:

۱. تعلیم احترام و تفهیم متقابل: از دانش‌آموزان باید آموخته شود که احترام و تفهیم متقابل چقدر ارزشمند هستند. این تربیت باید از کودکی شروع شود و به مرور زمان تقویت گردد.
۲. تربیت همدلی و همکاری: ارتقاء مفاهیم همدلی و همکاری در دانش‌آموزان می‌تواند به پیشگیری از خشونت کمک کند. آموزش مهارت‌های ارتباطی موثر و حل مسائل صلح‌آمیز مهم است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳. توسعه مهارت‌های انفعالی: دانش‌آموزان باید به یادگیری مهارت‌های مدیریت انفعالی آموزش داده شوند تا بتوانند با استرس و فشارهای روزمره به صورت سالم و بدون خشونت مقابله کنند.
۴. تربیت اخلاقی: آموزش اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی مهم است. این آموزش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در مواقع تصمیم‌گیری مسئولانه و با ارزش‌های مثبت عمل کنند.
۵. تربیت به عدالت: دانش‌آموزان باید به اهمیت عدالت و برابری اعتقاد داشته باشند. این مفهوم می‌تواند به پیشگیری از تبعیض و خشونت ناشی از تبعیض نژادی یا اجتماعی کمک کند.
۶. همکاری با خانواده و مدرسه: تربیت اخلاقی و اجتماعی بهترین نتیجه را زمانی می‌دهد که خانواده و مدرسه با یکدیگر همکاری کنند. ارتقاء ارتباط و هماهنگی بین این دو موسسه اساسی است (محمدی چمناری و عربی جونقانی، ۱۴۰۰).
به طور خلاصه، تربیت اخلاقی و اجتماعی در دانش‌آموزان می‌تواند به پیشگیری از خشونت مدرسه‌ای کمک کند. این آموزش‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به شخصیت دانش‌آموزان و ارتقاء احترام متقابل در محیط مدرسه ایفا می‌کنند و به ساختارهای سالم تر در جوامع و مدارس کمک می‌نمایند.

نتیجه‌گیری

خشونت در مدارس یک پدیده پیچیده و چندوجهی است که به شدت تحت تأثیر عوامل جامعه‌شناختی قرار دارد. در این مقاله، تلاش شد تا ریشه‌های اجتماعی خشونت در مدارس و نقش عوامل جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه، به جمع‌بندی نتایج و پیشنهادهایی برای کاهش خشونت در مدارس پرداخته می‌شود. عوامل اجتماعی مختلفی می‌توانند در بروز خشونت در مدارس نقش داشته باشند. این عوامل شامل نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، فشارهای خانوادگی، تأثیر رسانه‌ها، مشکلات ارتباطی و فرهنگی، و عدم وجود الگوهای مثبت رفتاری هستند. نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی می‌توانند باعث ایجاد احساس نارضایتی و ناامیدی در دانش‌آموزان شوند که این احساسات به صورت خشونت بروز می‌یابد. همچنین، خانواده‌هایی که با مشکلات اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی دست و پنجه نرم می‌کنند، نمی‌توانند حمایت کافی از فرزندان خود به عمل آورند که این مسئله به نوبه خود می‌تواند به رفتارهای خشونت‌آمیز منجر شود.

رسانه‌ها نیز نقش مهمی در ترویج خشونت دارند. نمایش مداوم صحنه‌های خشونت‌آمیز در فیلم‌ها، بازی‌های ویدیویی و برنامه‌های تلویزیونی می‌تواند موجب نرمال‌سازی خشونت و کاهش حساسیت افراد به آن شود. علاوه بر این، مشکلات ارتباطی بین دانش‌آموزان، معلمان و والدین می‌تواند به افزایش تنش‌ها و در نهایت به خشونت منجر شود. راهکارهایی برای کاهش خشونت در مدارس شامل ترویج عدالت اجتماعی و اقتصادی، افزایش حمایت‌های خانوادگی، بهبود کیفیت ارتباطات بین افراد درگیر در محیط مدرسه، و ارائه الگوهای مثبت رفتاری است. مدارس باید به عنوان محیطی ایمن و حمایت‌کننده عمل کنند و به دانش‌آموزان فرصتی برای بیان احساسات و مشکلات خود بدهند. برنامه‌های آموزشی که به تقویت مهارت‌های ارتباطی، مدیریت خشم و حل مسئله می‌پردازند، می‌توانند به کاهش خشونت کمک کنند. همچنین، نقش معلمان و مدیران مدارس در شناسایی و مداخله به موقع در موارد خشونت‌آمیز بسیار حیاتی است. ارائه آموزش‌های لازم به معلمان در زمینه مدیریت کلاس و برخورد با رفتارهای خشونت‌آمیز می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش این رفتارها داشته باشد. به علاوه، ایجاد فضاهای تفریحی و ورزشی سالم و جذاب برای دانش‌آموزان می‌تواند انرژی‌های منفی آن‌ها را به سمت فعالیت‌های مثبت هدایت کند. در نهایت،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

باید توجه داشت که کاهش خشونت در مدارس نیازمند همکاری همه‌جانبه از سوی خانواده‌ها، مدارس، جامعه و دولت است. تنها با تعامل و همکاری مستمر می‌توان محیطی امن و سالم برای رشد و پیشرفت دانش‌آموزان فراهم کرد.

منابع

۱. امیرانی پور، امیرمحمد، (۱۴۰۲)، بررسی علل و راهکارهای موثر بر خشونت دانش‌آموزان در مدارس، ششمین همایش ملی فناوری‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی و مشاوره ایران، تهران.
۲. البرز، محمدرضا و باقری، سعیده و امیری، کبری و قاسمی نژاد، کبری، (۱۴۰۰)، مروری بر پدیده خشونت در مدرسه: علل، زمینه‌ها و راه حل، اولین کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرآیندهای تعلیم و تربیت، بندرعباس.
۳. قلی پورچسلی، محمدرضا، (۱۳۹۷)، خشونت در مدارس، پنجمین همایش علمی پژوهشی «از نگاه معلم»، میناب.
۴. محمدی چمناری، الهام و عربی جونقانی، احمد، (۱۴۰۰)، مروری بر مولفه‌های خشونت و راهکارهای حذف آن در مدارس متوسطه، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات جهانی در علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره، تهران.
۵. میرزائی، سارا، (۱۳۹۹)، بررسی علل، پیامدها و راهکارهای پیش‌گیری از خشونت در مدارس، اولین همایش ملی آموزش‌های مجازی در حوزه آموزش و پرورش، رفسنجان.
۶. Antonowicz, Laetitia, ۲۰۱۰, Too Often in Silence. A report on school-based violence in West and Central Africa, UNICEF, Plan West Africa, Save the Children Sweden West Africa, Action Aid.
۷. Bush, Kenneth D. and Diana Saltarelli (eds), ۲۰۰۰, The Two Faces of Education in Ethnic Conflict.
۸. Eliminating Violence against Children. Handbook for Parliamentarians, no. ۱۳, Inter-Parliamentary Union and UNICEF, ۲۰۰۷.
۹. Ellery, F., N. Kassam and C. Bazan, ۲۰۱۰, Prevention Pays: the economic benefits of ending violence in schools, Plan.
۱۰. Livingstone, Sonia, Leslie Haddon, Anke Gorzig and Kjartan Olafsson, ۲۰۱۱, Risks and safety on
۱۱. Mitchell, Claudia and Iwani Mothobi-Tapela, ۲۰۰۴, Taking Action: Gender-Based Violence in and around Schools in Swaziland and Zimbabwe, UNICEF ESARO.
۱۲. Pinheiro, Paulo Sérgio, ۲۰۰۶, UN Study on Violence Against Children, United Nations
۱۳. the Internet. The perspective of European Children. Key findings, European Union and the London School of Economics and Political Science, n.d. circa.